

دوستی، بزرگ ترین هدیه شمشیربازی

ترجمه: عباسعلی فاریابی (۱۴۰۰/۴/۱۲)

ما در مورد چیزهایی که شمشیربازی می تواند برای ما به ارمغان بیاورد زیاد صحبت می کنیم، از جمله آمادگی جسمانی و تیزبینی ذهنی. این ورزش به ما کمک می کند تا از طریق غلبه بر چالش ها رشد و پیشرفت شخصی خود را تامین کنیم. شمشیربازی به ما امکان می دهد تا بهترین نسخه خودمان را بیابیم. همه این ویژگی ها عالی و بی نظیر هستند اما من می گویم بزرگ ترین هدیه ای که شمشیربازی به ما می دهد **دوستی** است. نه تنها دوستی معمولی، بلکه دوستی مادام العمری که زندگی ما را از راه هایی غنی می کند که هیچ کس انتظار آن را ندارد و این زمانی اتفاق می افتد وقتی ما برای اولین بار شمشیر بدست می گیریم و پا بر روی پیست می گذاریم.



ما به دنبال مدال نیستیم!

سال گذشته، کووید ما را به یک دنیای مجازی ناخواسته سوق داد. آنجا بود که فهمیدیم هنگام تمرین در باشگاه خود با چه افراد شگفت انگیزی همنشین بودیم و از مصاحبت با آنها محروم شده ایم. وقتی به آن زمان ها نگاه می کنم، تنها چیزی که می توانم بینم دوستی هایی بود که از طریق شمشیربازی به وجود آمده بودند و اینکه این روابط مدت ها پس از ترک باشگاه نیز ادامه داشته و هنوز هم ادامه دارد.

مسئله این است که همه آن قهرمان ها کلیه آن نتایج و مدال آوری های ملی، آسیایی و جهانی خود را فراموش کرده بودند. هرچند که این دست آوردها حاصل ماه ها و سال هایی طولانی کار است، اما مدال تنها با یک چشم برهم زدن بر گردن شما آویخته می شود. خانواده، دوستان، هم تیمی ها و مربیان با شما بصورت حضوری و در شبکه های اجتماعی و مهمانی ها جشن می گیرند. اما روز بعد که به خانه برمی گردید، مدال خود را جایی آویزان می کنید یا آن را در یک کشو می گذارید. ما هر روز نمی توانیم جشن مدال و دست آوردهای خود را بگیریم، اما همیشه به حرکت خود ادامه می دهیم. رده بندی کشوری یا جهانی باعث درخشش مادام العمری شما نمی شود، و حتی یک دیوار پر از گواهینامه های موفقیت های ملی و دیپلم های افتخار نمی تواند به اندازه **دوستی** به شما ارزش دهد.

روز بعد از آن مسابقه شگفت انگیز و بالا رفتن از سکو، شما به روال زندگی عادی خود برمی گردید. انگار هیچ اتفاقی نیفتاده است، اما یک چیزی برای شما باقی می ماند، و آن **دوستی** است.

بعد از اوج پیروزی در آن همه مسابقات بزرگ، آنچه برای شما باقی می ماند ارتباط خود با دوستان است. دوستی های حاصل از تجارب مشترک هرگز از بین نمی روند. در واقع، این دوستی ها با گذشت زمان عمیق تر و معنادارتر می شوند. جاه و جلال گرفتن آن امتیاز نهایی در یک مسابقه قهرمانی زودگذر است، اما پیوندهای دوستی طولانی مدت هستند.

قهرمانان نمی توانند با نتایج و دست آوردهای قبلی خود بنشینند و منتظر بمانند تا اتفاقات بعدی به خودی خود بیفتد. آنها باید هر روز از خواب برخیزند و تمرینات سخت خود را انجام دهند. آنها باید آن کار سخت کوشانه ای که سبب کسب این مدال ها شده اند را ادامه دهند. ما در واقع تنها به دنبال مدال نیستیم - بلکه چیز دیگری وجود دارد که به دنبال آن هستیم. به همین دلیل است که وقتی شمشیربازها از پیست فاصله می گیرند با مشکل مواجه می شوند، و در واقع بسیاری از آنها هرگز این کار را نمی کنند. مدال ها بخشی از سفر ما هستند، اما مقصد اصلی ما نیستند.

مدال ماهیت وجودی شما را تعریف نمی کند.



تأمل در مورد دوستی شمشیربازی

وقتی خاطرات اولین تمریناتمان بعد از قرنطینه اول را مرور می کنیم، برای من کاملاً روشن می شود که آن بچه هایی که قبلاً با ما تمرین می کردند دیگر کودک نیستند. آنها دیگر بزرگ شده اند، برخی وارد رده نوجوانان و برخی به رده جوانان و تعدادی از آنها به رده بزرگسالان ملحق شده و به انسان های کاملی تبدیل شده اند. هرکدام راه خود را در این جهان باز کرده اند. هرکدام از آنها به شیوه منحصر به فردی در حال خلق زندگی خود هستند، برخی از آنها هنوز با شمشیربازی عجین هستند و برخی دیگر به فعالیت های دیگر علاقمند شده اند. آنچه ثابت مانده پیوندی است که از طریق شمشیربازی ایجاد شده است.

این گروه از هم تیمی های سابق شمشیربازی برای مدتی باهم نبودند، اما دوستی آنها فراموش نشده بود. با تماشای شادی و روابط آنها، کاملاً مشخص بود که علی رغم این پراکندگی اجباری، آنها دوستی خود را به خوبی حفظ کرده اند. آنها به فکر همدیگر هستند. آنها دائماً از طریق پیام های گروه های مجازی و رسانه های اجتماعی باهم ارتباط دارند. آنها داستان های مربوط به روابط درون سالنی را باهم رد و بدل می کنند. اگر یکی از آنها با مشکلی برخورد می کند و به پشتیبانی نیاز داشته باشد، دیگران با پیام های خود سریع به داد او می رسند.

فراتر از شمشیربازی، همه این دوستان در زندگی یکدیگر هنوز وجود دارند. و هنوز آن روزهای طولانی تمرینی که با اتک و پاره ریبوست در سالن می گذراندند، علی رغم مرور این یک سال و اندی، هنوز به خاطر دارند.

از طریق شمشیربازی، آنها به یک **محفل دوستانه** تبدیل شده اند. این محفل با توجه به روابط ایجاد شده در مسابقات و زیر چتر داوران به وجود آمده است. این حلقه دوستانه با آن چیزی که برای اولین بار آنها را به هم نزدیک کرده بود دیگر تعریف نمی شود. به وضوح می بینیم که این محفل و آن رویاها توسط این همه گیری به هیچ وجه تغییر ماهیت نداده است.



مهم ترین چیز این است که همه آنها منتظر هستند تا به جمع دوستان قدیمی خود برگردند و آن را جشن بگیرند. هیچ کس عقب نشینی نکرده است و آنها به دنبال این هستند که توانایی های خود را به جلو ببرند و تجربه خود را به نسل بعدی برسانند. این محفل بسیار قوی است، و می تواند به رشد خود ادامه دهد تا از افرادی که در خارج از این فضا قرار دارند پشتیبانی کند.

در این خانواده شمشیربازی، ما بازیکنان را برای قهرمان شدن آموزش می دهیم. مهارت شمشیربازی جزو اصول اولیه آموزشی ماست که از طریق مربیان با استعداد و فداکار ما در اختیار علاقمندان گذاشته می شود. ما به شمشیربازها می آموزیم که از استعداد و دانایی خود برای دستیابی به اهدافی استفاده کنند که قبلاً نمی دانستند توانایی آن را دارند. این هدف قلبی ماست. چیزی که من تا آخر هفته قبل نمی دانستم این بود که ما شمشیربازها چقدر تشنه تمرین هستیم و لحظه شماری می کنیم تا دوباره کنار یکدیگر باشیم و آن محفلی که به دلیل همه گیری تعطیل شده است دوباره راه اندازی کنیم.

دیدن دوستان قدیمی که با عشق و خنده به پای پیست شمشیربازی و چراغ های سبز و قرمز جمع می شوند، برایم دنیایی از شادی را به وجود می آورد که توصیف آن سخت است. این یکی از همان ارزش های واقعی است که در باشگاه شمشیربازی ما اتفاق می افتد.

Igor Chirashnya

Academy of Fencing Masters Blog